

ایران و تهاجم امریکا؛ استراتژی و تاکتیک‌های پیش رو

تنش ژایی، ویژگی خاورمیانه امروز و پیوسته خلیج فارس است. در این فضای پر تنش احتمال برخورد نظامی بین طرف‌های مسلح امریکا و ایران وجود دارد. تاکنون در زمانه‌ها، سناریوهای مختلفی درباره احتمال چنین برخوردی مطرح شده است؛ بنابراین نسبت به احتمال جنگ نمی‌توانیم بی‌تفاوت بوده و در مورد آن نیندیشیم. در این مختصر بر آنیم تا استراتژی‌ها، تاکتیک‌ها و تکنیک‌های بازدارنده پیش‌رو را بررسی کنیم که نیاز هر یک از طرفین است.

مذاکره به زبان جنگ

برخی افزایش ناوگان‌های دریایی و سایر جنگ‌افزارهای امریکا و متحدانش را در منطقه، این‌گونه تفسیر می‌کنند که امریکا با توجه به حمله القاعده به برج‌های تجارت جهانی و پنتاگون و ناکامی‌اش در واکنش به این حمله؛ اشغال افغانستان، فاجعه عراق، جنگ ویرانگر لبنان، انتخابات ۲۰۰۶ کنگره و پیامدهای آن و بحران‌های درونی بعید است بتواند به جنگ دیگری آن هم با کشوری با عمق استراتژیک ایران دست بزند. بنابراین این دسته از مفسران معتقدند امریکا سعی دارد با افزودن تنش‌ها، فضای جنگی‌ای را در منطقه ایجاد نماید و از موضع بالا با ایران به مذاکره بنشیند. رابرت گیتس وزیر دفاع امریکا نیز این خط‌مشی را به‌ظاهر بیان کرده است.

جنگ حقیقی

اما برخی دیگر از مفسران نظامی بر این باورند که آرایش نظامی‌ای که امریکا در خلیج فارس اتخاذ کرده؛ با ورود ناوگان‌ها و استقرار موشک‌های پاتریوت در سواحل جنوبی خلیج فارس و ... نشان‌دهنده شروع یک جنگ واقعی است. ژنرال ایچاف رئیس پیشین ستاد ارتش روسیه معتقد است اساس سیاست امریکا "نامن کردن کنترل شده" بالکان، خاورمیانه و بویژه خلیج فارس است که نمونه آن در کوزوو و عراق دیده شد بدون این‌که دلیل قانع‌کننده‌ای در مورد این دو جنگ وجود داشته باشد. وی در ادامه تحلیل خود می‌افزاید؛ از آنجاکه ایران اصلی‌ترین مانع نامن کردن منطقه است ناگزیر ایران نیز باید نامن شود. ایچاف بر این باور است که موتور محرکه جنگ، شرکت‌های اسلحه‌سازی و فراملیتی نفتی امریکا هستند چراکه عقلانیت بشردوستانه‌ای ندارند. او اصلی‌ترین مانع جنگ را مخالفت کنگره امریکا با آن می‌داند و بنابراین جنگ‌افروزان در پی بهانه‌هایی هستند تا موافقت کنگره امریکا را نیز جلب کنند. این بهانه می‌تواند حمله ایران به یک پادگان امریکا در عراق و یا حمله حزب‌الله لبنان به اسرائیل و ... باشد.^(۱)

سناریوی جنگی

با توجه به استراتژی محافظه‌کاران جدید مانند «تخریب سازنده و جنگ تمام عیار»^(۲) تهاجم پیشگیرانه (Pre-emptive Attack)، جنگ یکجانبه (Unilateral war) و اقدامات غیر بشردوستانه در

افغانستان و عراق که با مخالفت آشکار اندیشمندان جهان و امریکا روبه‌رو شده و نیز درآمد سرشار شرکت‌های اسلحه‌سازی و فراملیتی نفت؛ بعید نیست که امریکا با ایران برخورد نظامی کند.^(۳) بنابراین ما ناچاریم سناریوهای مختلف جنگی و توانایی‌های خودمان را بررسی کنیم.

آنچه در مطبوعات و رسانه‌ها آمده این است که آغاز حمله با امریکا خواهد بود و زمان، مکان و اهداف حمله را نیز امریکا تعیین خواهد کرد، ولی در مطبوعات و رسانه‌ها به چگونگی پاسخ به این حملات اشاره‌ای نشده است؛ این در حالی است که مسئولان ارشد بارها گفته‌اند هیچ تهاجمی را بدون پاسخ نخواهند گذاشت.

اهداف امریکا از تهاجم به ایران

- الف) این پرسش مطرح است که اهداف امریکا از حمله به ایران چیست؟
- ب) آیا حمله محدود و در زمان و مکان معین خواهد بود؟
- ج) جنگی با شدت متوسط که به اشغال ایران منجر شود؟ و پیروزی نظامی کامل جهت اشغال کشور (مانند عراق)؟
- آیا تهاجم امریکا فقط محدود به مناطق خاص و کلیدی مانند مراکز فرماندهی، مخابرات، زیرساخت‌های انرژی و یا به تأسیسات هسته‌ای خواهد بود؟
- آیا این تهاجم محدود، قابلیت گسترش به جنگ با شدت متوسط را خواهد داشت؟
- آیا جنگ به صورت نبرد هواد دریا خواهد بود و یا به زمین نیز گسترش خواهد یافت؟
- آیا امریکا قادر است به صورت غافلگیرانه تدارک یک حمله زمینی گسترده را انجام دهد؟
- پاسخ ایران...!
- آیا نیروهای نظامی ایران می‌توانند مانند لبنان در برابر نخستین موج حمله‌ها مقاومت کرده و به آن پاسخ دهند؟
- آیا می‌توانند زمان نخستین حمله را پیش‌بینی کنند و یا در برابر آن غافلگیر خواهند شد؟
- از ظرفیت و توان نیروهای ایرانی چه مقدار باقی خواهد ماند؟

اراده سیاسی رهبران ایران در پاسخگویی تاکتیک پیش خواهد رفت؟
دفاع محدود و یا گسترش پاسخ دفاعی به مناطقی که پایگاه‌های آمریکا
در آن قرار دارد؟

در شرایط کنونی پایگاه‌های نظامی آمریکا در اینجریلیک ترکیه، در
مراکز متعدد زمینی و هوایی در عراق، پایگاه هوایی در کویت و عربستان،
مرکز فرماندهی نظامی در قطر، ناوگان پنجم دریایی در بحرین و بالاخره
در جزیره دیگوگارسیا است و همچنین ناوگان‌های دریایی آمریکا شامل

ناوهای هواپیما (آیزنهاور و
استینس) در خلیج فارس و دریای
عمان حضور دارند.

آیا آمریکا از دیگوگارسیا و یا
ناوهای هواپیما حمله خواهد کرد
تا واکنش ایران متوجه پایگاه‌های
امریکا در بحرین، قطر،
عربستان، ترکیه و کویت نباشد؟

آیا نیروهای اطلاعاتی ایران قادر
به تعیین دقیق زمان حمله خواهند
بود و توان دفاعی و بازدارنده و قدرت

پاسخگویی به موج حمله‌ها را خواهند داشت؟

این طور که در مطبوعات پیش بینی شده موج اول حمله‌ها؛ بمباران
هوایی با هواپیماهای F18, B2, B1, F117 و شاید F22 به همراه شلیک
موشک‌های کروز توماهاک از ناوگان‌های دریایی مستقر در خلیج فارس
خواهد بود.

آیا پدافند هوایی ایران که به تازگی در زمینه پدافند نقطه‌ای^(۴) علیه
موشک‌های کروز و بمب‌های هوشمند تجهیز شده قادر به خنثی کردن
حملات موشک‌های کروز خواهد بود؟

آیا تهاجم آمریکا محدود به تأسیسات هسته‌ای خواهد بود و یا به
مراکزی که احتمال پاسخگویی به حملات را دارد نیز گسترش خواهد
یافت؟ آیا این مراکز همان گونه که در رسانه‌ها آمده می‌تواند پایگاه‌های
موشکی، پدافند هوایی، مراکز مخابرات، رادار و مراکز فرماندهی باشند؟
اگر در حمله‌های اولیه که بر اساس برآورد ایپاجف در رسانه‌ها بین
۲۴ تا ۳۶ ساعت است، ضریب موفقیت آمریکا در تخریب تأسیسات
پایین باشد؛ آیا حمله‌ها مرحله دوم را نیز در پی خواهد داشت؟ و جنگ
را ادامه خواهند داد؟ آیا توان نظامی ایران در حمله‌های اولیه، قدرت
پاسخگویی خود را از دست خواهد داد؟

پاسخ متقابل ایران محدود به دفاع خواهد بود یا به مناطقی گسترش
پیدا خواهد کرد که احتمالاً حمله‌های نظامی آمریکا از آنجا شروع و
فرماندهی شده است و روشن است که این، خود، زنجیره گسترش جنگ
در منطقه را به دنبال خواهد داشت؟

شکی نیست که نیروهای متعارف هوایی و دریایی ما در یک جنگ
کلاسیک نسبت به نیروی دریایی و هوایی آمریکا نه تنها برتری نداشته
حتی موازنه قدرت نیز ندارند و اختلاف تکنولوژی در سلاح‌های به کار
رفته دست کم یک تا دو دهه می‌باشد، بنابراین اگر آمریکا از خطر ناامن

کردن منطقه و مقابله با اندیشمندان آمریکا و جهان دست بر ندارد و
بخواهد به ایران حمله کند چه راهی در پیش است؟ در برابر حمله متقابل
ایران به پایگاه‌های آمریکایی، طبیعی است غرور میلیتاریستی اجازه
نخواهد داد که سکوت کند. بنابراین با یک جنگ ویران کننده روبه‌رو
خواهیم شد، پس چه باید کرد؟

جنگ نامتقارن

ایران پس از انقلاب با یک جنگ تحمیلی طاقت فرسا روبه‌رو شد که

بیش از نیمی از جهان آن را حمایت
می‌کردند و پس از پایان هشت سال و
در پی اشغال کویت سران جهان به
حمایت خود از رژیم بعث عراق به
رهبری صدام حسین اعتراف کردند.^(۵)
رزمندگان ایرانی، در این جنگ از
طریق «استراتژی موج انسانی» و با
حداقل امکانات توانستند دفع تجاوز
کرده و به پیروزی‌هایی نیز برسند.
طبیعی بود ایرانی‌ها از جنگ اول
خلیج فارس؛ چراغ سبز نشان دادن



امریکا به صدام در اشغال کویت، اتحاد ۲۶ کشور علیه بعث عراق و
پایان دادن به اشغال کویت و قیام سراسری مردم عراق در ۱۹۹۱ و کشتار صد
تا دو بیست هزار نفری شیعیان، درس‌ها آموختند. به نظر می‌رسد حمله
به عراق در بهار ۱۳۸۲ (۲۰۰۳) و سقوط سریع بغداد و فروپاشی ارتش بعث
این درس را به نیروهای مسلح ایران داد که تنها از راه جنگ غیرمتقارن
است که می‌توان در برابر یورش‌های ایالات متحده مقاومت کرد.

طبیعی است ایرانی‌ها که نمی‌توانست در یک جنگ کلاسیک با نیروهای
هوایی و دریایی آمریکا موازنه داشته باشد، اساس استراتژی دفاعی خود
را بر قدرت موشکی استوار کند به طوری که به اعتراف رسانه‌های خارجی
هم‌اکنون گسترده‌ترین و متنوع‌ترین برنامه‌های موشک‌های کوتاه‌برد و
میان‌برد را در منطقه داراست و تقریباً تمامی پایگاه‌های آمریکا در منطقه
در دسترس موشک‌های ایران قرار دارد. این پرسش مطرح است که آیا
پدافند ضد موشکی در منطقه قادر به جلوگیری و درگیری با پرتاب‌ده‌ها
موشک زمین به زمین ایران خواهد بود؟ اینجاست که به نظر می‌رسد
نیروهای مسلح ما با الهام از «استراتژی موج انسانی» به «استراتژی فوج
موشکی» دست یازیده‌اند که شاید ثمره و تبلور این درس آموزی را بتوان
در مقاومت پیروز لبنان و بخصوص در مانورهای نظامی ایران در سال
۱۳۸۵ دید.

الگوی مقاومت پیروز لبنان

در حالی که «مقاومت» پیروز لبنان تمامی معادلات نظامی منطقه
را بر هم زد و افسانه شکست‌ناپذیری اسرائیل را مخدوش کرد، ولی در
رسانه‌های ما به مکانیزم آن کمتر پرداخته شده است. اما اسرائیل به دلیل
همسایگی مرز مشترک سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک با حزب الله لبنان
بیشترین جمع‌بندی را از مقاومت ۳۳ روزه داشته است:

امیر پرتز، وزیر دفاع اسرائیل اعتراف کرد به مدت شش سال منطقه

جنوبی لبنان شناسایی می‌شد و این شناسایی‌ها نشان می‌داد که توان حزب‌الله آن قدر ناچیز است که می‌توان آن را نابود کرد.^(۶) اسرائیلی‌ها به سر‌بازان خود گفته بودند شما در تصرف لبنان با مشت‌ی دهقان اسلحه به دست رو به‌رو هستید در حالی که به اعتراف همین سر‌بازان آنها با حرفه‌ای‌ترین رزمندگان رو به‌رو شدند که مشابه آنها را هیچ‌کجا ندیده بودند و اعتراف‌های این سر‌بازان نشان داد که در طول جنگ‌هایی که اعراب داشته‌اند این تنها جنگی از اعراب بود که از اسلحه به صورت خردمندانانه استفاده می‌شد.^(۷) تانک‌های زرهی میرکاوای اسرائیلی، پیشرفته‌ترین تانک دنیاست که از سپر دفاعی انفجاری (Active Armored Shield) نیز برخوردار و در جنگ‌هایی که اسرائیل با اعراب داشته به تانک دست‌نیافتنی معروف شده است. مکانیزم سپر دفاعی این است که پیش از برخورد موشک با زره اصلی تانک، موشک به همراه سپر منفجر می‌شود، اما در مقاومت ۳۳ روزه، رزمندگان لبنانی از موشکی استفاده می‌کردند به نام کرنل که دو کلاهک داشت که کلاهک اول در برخورد با سپر انفجاری یادشده منهدم، اما کلاهک دوم در بدنه تانک به ضخامت ۶۰ سانت نفوذ کرده و در درون تانک منفجر می‌شد. اسرائیلی‌ها در این رویارویی ۶۴ تانک خود را از دست دادند که بر آنها یأس زیادی چیره شد. گفته می‌شود این موشک‌ها ابتدا در روسیه ساخته شده سپس با ابتکاراتی در صنایع نظامی ایران مهندسی معکوس، بهینه و در لبنان مورد استفاده قرار گرفت.^(۸) اسرائیل به هیچ‌وجه از وجود چنین موشک‌هایی در دست حزب‌الله اطلاع نداشت.

اینجاست که تاکتیک نظامی در معادلات استراتژیک اثری تعیین‌کننده دارد. مورد دیگر، کاربرد موشک‌هایی بود که به درون اسرائیل پرتاب می‌شد که تمامی آنها منفجر شده و حتی یک نمونه سالم به دست آنها نیفتاد، ولی توانستند در حین پرتاب از موشک‌ها عکس‌هایی تهیه کنند و اعتراف کردند که از این نوع موشک‌ها در مانورهای ایران و سوریه دیده نشده و باید توسط خود حزب‌الله ساخته شده باشد و یا سفارش حزب‌الله باشد. البته در نشریه‌های نظامی آمده است که تکنولوژی موشک‌سازی از راه ایران به جنوب لبنان و فلسطین رفته است و از این راه دیوار حائل امنیتی با تمامی هزینه‌های انجام شده و خشم‌های پراکنجیده شده تأثیر خود را از دست داده است. تجربه موشک‌سازی در فلسطین به حدی پیشرفت کرده که حمله‌های دو سال اخیر اسرائیل به کارگاه‌های موشک‌سازی فلسطین بوده است نه به انبار موشک.

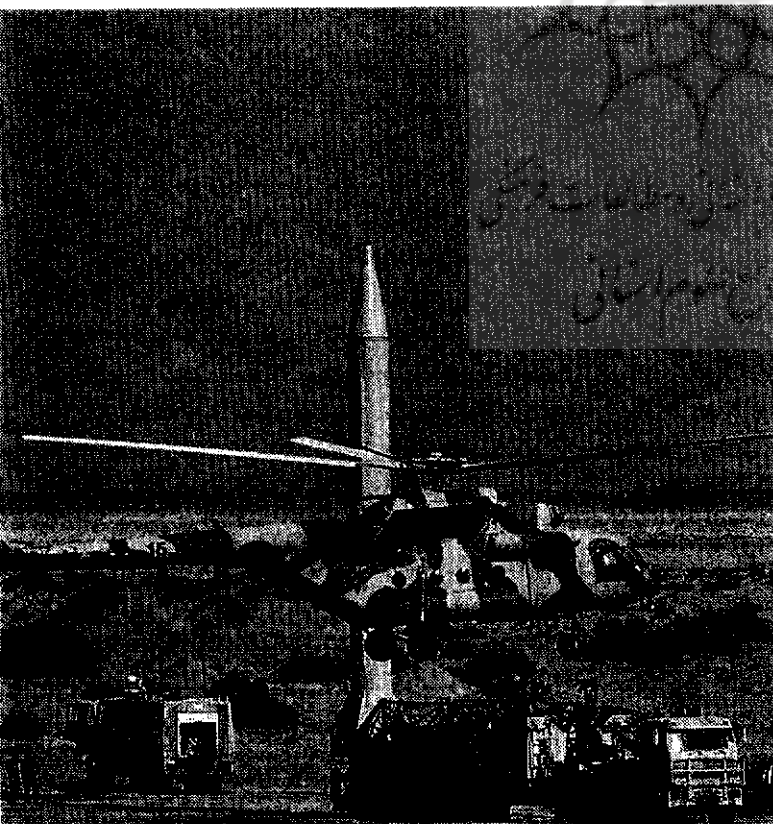
در مقاومت ۳۳ روزه، موشک‌های ضد موشک پاتریوت نیز نتوانست حتی یکی از این موشک‌های پرتاب شده در هوارا منهدم سازد.

مقامات نظامی اسرائیل معتقدند اگر حزب‌الله از اورانیوم ضعیف‌شده - مانند آنچه امریکا طی ۱۰ سال پیش از جنگ ۲۰۰۳ در عراق استفاده می‌کرد - در این موشک‌ها استفاده می‌کرد، مهاجرت معکوس اتفاق می‌افتاد و امنیت اسرائیل

بیش از این مخدوش می‌شد. اسرائیلی‌ها اعتراف داشتند که رزمندگان حزب‌الله از جنگ الکترونیک، دانش شنود و زبان عبری بهره‌کافی داشته‌اند. به طوری که تانک‌ها میرکاواکه هر کدام از آنها به طور مستقل با ستاد فرماندهی کل ارتباط داشتند رمزگشایی و شنود می‌شدند و به نظر می‌رسد از پیشرفته‌ترین دستاوردهای آکادمیک امریکا اطلاع داشتند. اسرائیلی‌ها معترف‌اند رزمندگان حزب‌الله بر اساس دکترین تفنگداران دریایی امریکا آموزش دیده‌اند، حزب‌الله خود عملاً آکادمی‌های پیشرفته دارد و هر یک از رزمندگانی که شهید می‌شدند در شرح حالشان طی بیش از سی دوره ذکر می‌شده است، ولی آموزش عملی خود را در تیپ بدر هنگام دفاع در برابر جنگ تحمیلی، کسب کرده بودند.

ناوچه سائر (Saar) ۵ اسرائیل که به پیشرفته‌ترین دفاع ضد موشکی به نام باراک مجهز است در برابر موشک‌های رزمندگان لبنان توان مقاومت نداشت و غرق شد. گرچه اسرائیل اعلام کرد رادار ناوچه خاموش بوده، ولی کیست باور کند در یک منطقه جنگی که ناوچه ساحل لبنان را بمباران می‌کند رادار خاموش باشد. دلیل نادرست بودن این ادعا آن است که ناوچه‌های اسرائیل بلافاصله خود را به حدی از سواحل لبنان دور کردند که دیگر نتوانستند آنجا را موشک‌باران کنند.

کاربرد دقیق و به زمان این موشک نیز تاکتیکی بود که معادلات استراتژیک را بر هم زد. موشکی ساخت چین که در صنایع دفاعی ایران مهندسی معکوس و بهینه شد. حسن نصرالله ابتدا اعلام کرد هدف از





گروگانگیری سرbazان اسرائیلی مذاکره برای آزادی زندانیان بود و اگر می دانست واکنش اسرائیل حمله ویرانگر است این کار را نمی کرد. ولی در نهایی ترین تحلیل خود به این نتیجه رسید که هدف اسرائیل نابودی حزب الله لبنان به عنوان خط مقدم جبهه ایران بوده است، اما به این هدف خود دست نیافت.

سیمور هرش در مقاله خود با عنوان «توجه به لبنان؛ به منافع واشنگتن در جنگ اسرائیل» از پدیده ای نام می برد که رزمندگان لبنان شهادت را اول زندگی نوین دانسته و از اسرائیل ترسی به دل راه نمی دهند. وی بر این باور است که این پدیده، معادلات استراتژیک اسرائیل را که مبتنی بر ترس و ارباب بود بر هم زده است. حال اگر این پدیده با پدیده دوم یعنی تاکتیک های نوینی که در یک جنگ نامتقارن معادلات استراتژیک را به هم می ریزد همراه شود، به نظر می رسد مقاومت بازدارنده ای (Deterrence) در مقابل یورش های اسرائیل و آمریکا باشد.

در رویارویی زمینی، با توجه به تجربه عراق و لبنان و تنفر مردم منطقه از این دو تجربه و موانع جدی تاکتیکی و استراتژیکی که به قلم و بیان در آمده است، بعید است آمریکا به چنین کاری دست بزند، چرا که جنگ زمینی دارای دو مؤلفه اصلی است؛ یکی نیروی زرهی و دیگری هوانیروز که ترابری نیروهای نظامی را تأمین می کند. جان رید وزیر دفاع پیشین انگلستان گفت: «تا زمانی که تاکتیک مؤثر انهدام تانک ها به وسیله بمب های کنار جاده وجود دارد؛ امنیتی برای نقل و انتقال نیروها نیست و نیروها باید در پادگان ها بمانند. از سوی دیگر پادگان نیز هدف حمله های خمپاره ای و موشکی کوتاه برد نیروهای شورشی است.» در گزارش بیکر و همیلتون آمده است که تعداد زیادی از تانک ها و

تعداد زیادی مین روب نیروهای ائتلاف توسط بمب های کنار جاده منهدم شده اند. بنابراین باید مدل جدیدی از تانک را وارد عراق کرده ساختن آن امری است زمان بر، هزینه بر و بعید! و یا باید ورشکستگی جنگ را اعلام نمود. تنها در طول یک ماه پنج هلی کوپتر نظامی آمریکا در عراق سرنگون شد که تلفات زیادی به بار آورد.

کاربرد چنین تاکتیک هایی از سوی نیروهای شورشی بود که گزارش کاری عراق - که توسط ۱۰ عضو کنگره آمریکا به رهبری بیکر و همیلتون نوشته شده بود - پیشنهاد خروج نیروهای آمریکایی را از عراق داد. در پی انتخابات ۲۰۰۶ و شکست جمهوری خواهان، رهبری جدید کنگره این گزارش را بی گیری کرده است. اسرائیل مغرور، نیز وقتی شکست را پذیرفت و تن به آتش بس داد که محاسبه کرد جایگزین مناسبی برای تانک های میرکاو ندارد و در مجموع تاکتیک و زمان را از دست داده و در استراتژی شکست خورده است.

افزون بر اینها، ایران علاوه بر این که از ابعاد استراتژیک برخوردار است، عقبه های استراتژیک در منطقه نیز دارد. وضعیت عوارض طبیعی ایران به صورتی است که کامیون های حامل موشک می توانند استتار کنند و پناهگاه های خوبی داشته باشند. ویژگی یاد شده همراه با تولید انبوه و تنوع موشک ها با برد مختلف، ایران را قادر می سازد که تمامی پایگاه های آمریکا در منطقه را در برد مؤثر موشک ها قرار دهد.

در برخی مطبوعات غربی آمده است که آمریکا می تواند در همان ساعت اولیه جنگ، تمام نیروی دریایی ایران را نابود می کند؛ باید گفت نخست وضعیت طبیعی خلیج فارس این امکان را به آمریکا نمی دهد. دوم، نیروی دریایی آمریکا همیشه نگران قایق های تندرو بوده، سوم، علاوه بر شناورهای

سطحی، ایران قادر شده در این مدت شناورهای زیر سطحی زیادی تولید کند؛ با تمام این اوصاف ایران با نسل جدید موشک‌های خود با برد ۳۵۰ کیلومتر و تولید انبوه، نیازی به جنگ دریایی ندارد، چراکه می‌تواند از راه سکوهاى متحرک موشکی مستقر در سواحل خلیج فارس با استتار کافی تمامی عرض خلیج فارس را زیر برد موشکی خود قرار دهد.

با «استراتژی فوج موشکی» می‌توان در آن واحد به یک هدف ثابت یا متحرک تعداد زیادی موشک گسیل داشت و این طور که در نشریه‌های نظامی آمده موشک‌های ضد موشک پاتریوت نیز نمی‌تواند در مقابل پرتاب چندین موشک همزمان قادر به پاسخگویی باشند. یکی از ارکان تبلیغاتی امریکا این است که می‌گوید حساب مردم از حاکمیت جد است و اگر جنگی آغاز شود هدفش فشار به حاکمیت است تا مردم. مطمئناً در عمل، چنین چیزی امکان‌پذیر نیست، چرا که هر حمله‌ای به تأسیسات نظامی با واکنش ایران روبه‌رو خواهد شد و با حمله‌های مجدد امریکا و ...

ما شاهد آن بودیم که در کوزوو فقط ۴ تانک مورد حمله هوایی قرار گرفت در صورتی که امریکا حدود بیش از ۲۰۰ کارخانه را نابود کرد و ده‌هزار نفر غیرنظامی کشته شدند. در عراق نیز که به ظاهر هدف آزادی مردم بود؛ مشاهده کردیم تاکنون ۹۰۰ هزار یتیم بی سرپرست بر جای گذاشته است، به هر حال با توجه به عنصر شهادت‌طلبی و تاکتیک‌های جدید در جنگ نامتقارن که نمونه عینی آن را ذکر کردیم جنگ به نفع هیچ کشوری نیست. اگر کویت، امارات، قطر و بحرین گمان کنند در اتحاد با امریکا قادرند ایران را از پا در آورند اشتباه می‌کنند، چراکه آنها نیز از پا در خواهند آمد، آن وقت باید مانند جنگ اول خلیج فارس تمام سپرده‌های بانکی و درآمد نفت را خرج خرید اسلحه و جنگ نمایند و تا سال‌ها بعد درآمد نفت را صرف بازسازی خرابی‌های جنگ کنند.

آقای کری نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۴، در کنفرانس داووس در دیدار با آقای خاتمی گفت: امریکا منورترین کشور جهان است. برژینسکی در کتاب جدید خود به نام «فرصت دوم» بر این باور است که ریاست جمهوری بوش چیزی جز رهبری فاجعه‌وار نبوده است. ایران با موشک‌های فانتخ ۱۱۰ با برد ۷۰۰ کیلومتر، موشک‌های نسل جدید و سطح به سطح دریایی با برد ۳۵۰ کیلومتر و موشک‌های C-802 و C-801 (کوثر و نور)، موشک‌های دوکلاهک ضدتانک کرنل که در مانورها مشاهده شد به اضافه موشک‌های شهاب قادر است در حمله‌های اولیه، نه تنها بقای خود را تأمین کند، بلکه ضربه‌های دردناکی نیز وارد کند.

اما هنر اصلی در چنین فضای پرتنشی این است که همه دست به دست هم داده و در عین مقاومت و پافشاری بر استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی و با الهام از تجربیات ملی و منطقه‌ای، با تاکتیک نوین در دفاع نامتقارن، ابرقدرت منفی و سلطه‌گر امریکارابدون جنگ و نابودی منطقه به یک ابرقدرت مثبت - علمی و تکنولوژیک^(۱) ارتقا دهیم، تا در سایه آن، موانع توسعه بشریت از سر راه برداشته شود. در این صورت هژمونی علمی تکنولوژیکی امریکا بیشتر قابل پذیرش است تا هژمونی از راه سلطه و ویرانی که به گفته جان کری، دستاوردی جز تنفر به بار نیاورده است. در شرایط کنونی سیاست دفاعی در

راستای منافع ملی بهترین گزینه است و در ذات خود نوعی تهاجم به شمار می‌رود (دفاع تهاجمی). اما سیاست تهاجمی و دشمن تراشی در ذات خود، جنگ تمام عیار و سپس انفعال را به دنبال خواهد داشت که باید از آن پرهیز کرد.^(۱)

منابع مورد استفاده: مجله هوا - فضا و سایت نشریه Janes defence و سایت www.janes.com

پی‌نوشت‌ها:

۱- "ضرورت آمادگی ایران برای دفع یک حمله هسته‌ای"، ژنرال لئونید ایپاچف، منبع: سایت Global Research ۲۴ ژانویه ۲۰۰۷ (۵ بهمن ۱۳۸۵)، برای دسترسی به برگردان کامل آن به سایت: www.meisami.com مراجعه کنید.

۲- تخریب سازنده و جنگ تمام عیار (Creative destruction and total war)، ترجمه لطف‌الله میثمی منتشر شده در یاس نو (فروردین ۱۳۸۲) مصداق این مقاله، همان چیزی است که بر سر عراق آمد. در کتاب Helen Caldicott's Military Industrial نوشته خانم دکتر Helen Caldicott آمده است که دو سال پیش از حمله به عراق آقای چینی در یک نشست سری با شرکت‌های بزرگ امریکایی، جنگ تمام عیار با عراق را توضیح و سهم هر یک از شرکت‌های بزرگ را مشخص می‌کند.

۳- آیین‌ها و فرامیت‌های نفتی و تسلیحاتی را مجموعه نظامی - صنعتی نامید. این مجموعه است که کودتا علیه دکتر محمد مصدق، دکتر آریز، دکتر آئنده و دکتر سوکارنو را ترتیب داد. جورج سوروس در کتاب "رؤیای برتری امریکایی" ترجمه و انتشار از نشر صمدیه، این مجموعه را و بزرگی شوکان‌ها و بنیادگرایی بازار و مذهب نام نهاده است که ما این مجموعه را به دلیل درآمد بادآورده، نازکی کار، کلفتی پول، راست و وحشی می‌نامیم.

۴- پدافند نقطه‌ای ترجمه پدافند محلی (Local area defence) است. این موشک‌های پدافندی را سام ۱۵ یا تور (Tor) می‌نامند که شامل ۲۹ سامانه و هر سامانه ۸ موشک است و در اطراف تأسیسات انرژی هسته‌ای مستقر شده است.

۵- ر.ک. به کتاب «ما اعتراف می‌کنیم»، محسن صفری، حوزه هنری، تهران ۱۳۷۰، در این کتاب جنگ افروزان در پایان جنگ تحمیلی و پیش از خشک شدن خون شهدا خود به جنگ افروزان واقعی اشاره کرده‌اند.

۶- ر.ک. به سرمقاله چشم‌انداز ایران، شماره ۳۹، "خاورمیانه بوش و خاورمیانه مردم، اصلاحی در راهبرد" و نیز مقاله «توجه به لبنان؛ منافع واشنگتن در جنگ اسرائیل؟»، سیمورام، هرش، همان شماره، ص ۱۲ و همچنین سرمقاله «مقاومت بی‌روز در حاشیه مقاله سیمورام. هرش»، چشم‌انداز ایران، شماره ۴۰.

۷- مقایسه شود با جنگ شش روزه ۱۹۶۷، جنگ اکتبر ۱۹۷۳، جنگ اسرائیل و سوریه ۱۹۸۱، ر.ک. به کتاب «جنگ اکتبر» نوشته شازلی بن جدید، رئیس پیشین ستاد ارتش مصر، چاپ و انتشار مؤسسه اطلاعات.

۸- وزارت خارجه اسرائیل به روسیه بر سر فروش چنین موشک‌هایی به سوریه و ایران و در نهایت استفاده از آن در لبنان اعتراض کرد.

۹- زیگنیو برژینسکی در کتاب «انتخاب؛ رهبری جهانی یا سلطه بر جهان» همین نظریه را مطرح کرده است.

۱۰- ر.ک. به سرمقاله شماره ۴۲ نشریه چشم‌انداز ایران، "دوتجربه راهبردی؛ نفت ملی و انرژی هسته‌ای".